طلیعه

سیاست انتظار در قبال ترامپ

حمیدرضا آصفی
سخنگوی پیشین وزارت امور خارجه

سیاست خارجی ترامپ با دیپلماسی اوباما تفاوت‌های بسیاری خواهد داشت؛ این نکته‌ای روشن است که توجه به آن برای ورود به بحث، ضروری است. اگرچه رویکرد رئیس‌جمهور در برخی زمینه‌ها، تعیین‌کننده است، اما سیاست خارجی ایالات متحده به دلیل چندگانه بودن و نقش کنگره، سنا و لابی‌های مختلف، ممکن نیست. دراین‌میان اینکه مواضع ترامپ منطبق بر مواضع جمهوری‌خواهان اوباما باشد، نیز چندان به واقعیت نزدیک نیست. چراکه او در مرحله نامزدی تا انتخاب به عنوان نامزد اصلی، مغضوب جبهه‌های اصلی این جریان بود و دور از ذهن نیست که سیاست‌های حزب را پیاده نکند. درباره برجام ممکن است سخت‌گیری‌ها افزایش یابد. ممکن است یک‌سری علائم منفی از کاخ سفید ارسال شود، ولی اینکه برجام منتفی شود، موضوعیت ندارد. به هر حال، آمریکایی‌ها درباره برجام به اهداف کلی مدنظر خود رسیدند. بنابراین درباره برجام نباید چندان نگران بود. برای تحلیل شخصیت ترامپ، باید وی را در مقابل هیلاری کلینتونی قرار داد که نزدیک به لابی صهیونیست‌ها و در مواضع ضدایرانی، مشهور است. اگر این‌گونه مقایسه کنیم، بهتر می‌توان ارزیابی کرد. ممکن است ترامپ برای ایران باید باشد. اما کلینتون بدتر بود. خوشبختانه، اخیرا، حتی انتخاب مشاور امنیت ملی و رئیس سازمان سیا، اتفاقی است که تا حدی دور از انتظار بود اما هنوز انتخاب وزیران دفاع و خارجه باقی است و نمی‌توان دراین‌باره به طور قطعی سخن گفت. فقط یک نکته روشن است که در گوناه‌مدت، به بخش‌های مختلف سیاسی و اقتصادی و مالی شوک وارد می‌شود. در ابتدا به شاخص‌های اقتصادی و بورس‌ها شوک وارد شده است ولی بسیار سریع، همه‌چیز به وضع سابق بازگشت. به نظر می‌رسد آمریکا و ترامپ از حنک‌طلبی پرهیز کنند. او در مواضع خود گفته بود ورود آمریکا به سوریه و لیبی اشتباه بود و اینکه چرا ایالات متحده باید هزینه امنیت دیگران را بپردازد. او اعلام کرده به دنبال تقویت روابط با روسیه است. بنابراین این نکات را می‌توان در نظر داشت. ترامپ، نشانه میل تغییرخواهی مردم آمریکاست و به همین‌دلیل، پیروزی او دور از انتظار نبود. علت این پیروزی هم روشن است؛ مردم از وضعیت معیشت، اقتصاد، رکود در تولید خسته شده بودند به همین‌دلیل اقشار فقیر در حاشیه‌ها و روستاها به ترامپ مایل بودند. در دوره اخیر انتخابات، مردم ایالات متحده، انتخاب میان خوب و بد نداشتند. آنچه در رسانه‌های آمریکا قبل از برگزاری انتخابات منتشر می‌شد، نشان داد کلینتون نامحبوب‌ترین کاندیدای ریاست‌جمهوری بعد از ترامپ است. انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، یک انتخابات سلبی بود. درواقع در این انتخابات مردم نه ترامپ و نه کلینتون را می‌خواستند. نظرسنجی‌ها نشان می‌داد، ارای‌دهندگان از بعض دیگری قصد رأی‌دادن به کاندیدای مقابل را داشتند. هیلاری کلینتون برای مردم آمریکا چهره‌ای بسیار تکراری بود. درحالی‌که ترامپ برای مردم آمریکا، گزینه‌ای تازه محسوب می‌شد. دوم اینکه هیلاری کلینتون و خانواده او از نظر فساد مالی، شرایط قابل قبولی نداشتند. سومین ویژگی منفی از منظر مردم آمریکا، دروغ‌گویی او در جریان ایمیل‌ها بود. ترامپ در مبارزه‌های انتخاباتی خود بر نکته‌ای تاکید می‌کرد که مبتنی بر نیازهای جامعه آمریکا بود. رسانه‌های آمریکایی می‌گویند ترامپ در طول رقابت‌ها، حدود کلیدی داشت. معیشت مردم، اقتصاد آمریکا، استقرارنظامی برای مردم آمریکا، فساد ساختارهای سیاسی آمریکا و مشکلاتی از این‌دست مسائلی بودند که ترامپ از روز نخست تا انتهای مبارزات انتخاباتی در سخنرانی‌هایش تکرار می‌کرد. مردم آمریکا به دنبال تغییر بودند نوع برنامه‌ها و شعارهای هیلاری کلینتون نامحبوب‌تر اما و خفظ وضع موجود بود درحالی‌که مردم آمریکا به دنبال تغییر بودند. این مسئله خود یکی از دلایل اصلی پیروزی ترامپ در انتخابات اخیر آمریکا بود. تعداد آرای شرمنده ترامپ بسیار بیش از آرای شرمنده پیروزی ترامپ با رقیا دیرم. آرای شرمنده به معنای آن است، افرادی وجود دارند که از معرفی کسی که می‌خواهد به او رای دهند، شرمنده هستند و از معرفی نامزدشان امتناع می‌کنند. آنها در نظرسنجی‌ها می‌گویند رای نمی‌دهیم یا به ظلن شخص رای نمی‌دهیم ولی در انتخابات شرکت کرده که بسیار بسیار به‌ندرت اتفاق رای می‌دهند. تعداد این آرا در انتخابات اخیر بسیار بود و همان‌ها در تغییر نتایج مؤثر بودند در تحلیل رسانه‌های غربی منبی بر اینکه ترامپ، احمدی‌نژاد و خاتمی هست. پس یک‌سری علائم منفی از کاخ سفید ارسال شود، ولی اینکه برجام منتفی شود، موضوعیت ندارد. به هر حال، آمریکایی‌ها درباره برجام به اهداف کلی مدنظر خود رسیدند. بنابراین درباره برجام نباید چندان نگران بود. برای تحلیل شخصیت ترامپ، باید وی را در مقابل هیلاری کلینتونی قرار داد که نزدیک به لابی صهیونیست‌ها و در مواضع ضدایرانی، مشهور است. اگر این‌گونه مقایسه کنیم، بهتر می‌توان ارزیابی کرد. ممکن است ترامپ برای ایران باید باشد. اما کلینتون بدتر بود. درهمین‌حال، انتخاب مشاور امنیت ملی و رئیس سازمان سیا، اتفاقی است که تا حدی دور از انتظار بود اما هنوز انتخاب وزیران دفاع و خارجه باقی است و نمی‌توان دراین‌باره به طور قطعی سخن گفت. فقط یک نکته روشن است که در گوناه‌مدت، به بخش‌های مختلف سیاسی و اقتصادی و مالی شوک وارد می‌شود. در ابتدا به شاخص‌های اقتصادی و بورس‌ها شوک وارد شده است ولی بسیار سریع، همه‌چیز به وضع سابق بازگشت. به نظر می‌رسد آمریکا و ترامپ از حنک‌طلبی پرهیز کنند. او در مواضع خود گفته بود ورود آمریکا به سوریه و لیبی اشتباه بود و اینکه چرا ایالات متحده باید هزینه امنیت دیگران را بپردازد. او اعلام کرده به دنبال تقویت روابط با روسیه است. بنابراین این نکات را می‌توان در نظر داشت. ترامپ، نشانه میل تغییرخواهی مردم آمریکاست و به‌همین‌دلیل، پیروزی او دور از انتظار نبود. علت این پیروزی هم روشن است؛ مردم از وضعیت معیشت، اقتصاد، رکود در تولید خسته شده بودند به‌همین‌دلیل اقشار فقیر در حاشیه‌ها و روستاها به ترامپ مایل بودند. در دوره اخیر انتخابات، مردم ایالات متحده، انتخاب میان خوب و بد نداشتند. آنچه در رسانه‌های آمریکا قبل از برگزاری انتخابات منتشر می‌شد، نشان داد کلینتون نامحبوب‌ترین کاندیدای ریاست‌جمهوری بعد از ترامپ است. انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، یک انتخابات سلبی بود. درواقع در این انتخابات مردم نه ترامپ و نه کلینتون را می‌خواستند. نظرسنجی‌ها نشان می‌داد، ارای‌دهندگان از بعض دیگری قصد رأی‌دادن به کاندیدای مقابل را داشتند. هیلاری کلینتون برای مردم آمریکا چهره‌ای بسیار تکراری بود. درحالی‌که ترامپ برای مردم آمریکا، گزینه‌ای تازه محسوب می‌شد. دوم اینکه هیلاری کلینتون و خانواده او از نظر فساد مالی، شرایط قابل قبولی نداشتند. سومین ویژگی منفی از منظر مردم آمریکا، دروغ‌گویی او در جریان ایمیل‌ها بود. ترامپ در مبارزه‌های انتخاباتی خود بر نکته‌ای تاکید می‌کرد که مبتنی بر نیازهای جامعه آمریکا بود. رسانه‌های آمریکایی می‌گویند ترامپ در طول رقابت‌ها، حدود کلیدی داشت. معیشت مردم، اقتصاد آمریکا، استقرارنظامی برای مردم آمریکا، فساد ساختارهای سیاسی آمریکا و مشکلاتی از این‌دست مسائلی بودند که ترامپ از روز نخست تا انتهای مبارزات انتخاباتی در سخنرانی‌هایش تکرار می‌کرد. مردم آمریکا به دنبال تغییر بودند نوع برنامه‌ها و شعارهای هیلاری کلینتون نامحبوب‌تر اما و خفظ وضع موجود بود درحالی‌که مردم آمریکا به دنبال تغییر بودند. این مسئله خود یکی از دلایل اصلی پیروزی ترامپ در انتخابات اخیر آمریکا بود. تعداد آرای شرمنده ترامپ بسیار بیش از آرای شرمنده پیروزی ترامپ با رقیا دیرم. آرای شرمنده به معنای آن است، افرادی وجود دارند که از معرفی کسی که می‌خواهد به او رای دهند، شرمنده هستند و از معرفی نامزدشان امتناع می‌کنند. آنها در نظرسنجی‌ها می‌گویند رای نمی‌دهیم یا به ظلن شخص رای نمی‌دهیم ولی در انتخابات شرکت کرده که بسیار بسیار به‌ندرت اتفاق رای می‌دهند. تعداد این آرا در انتخابات اخیر بسیار بود و همان‌ها در تغییر نتایج مؤثر بودند در تحلیل رسانه‌های غربی منبی بر اینکه ترامپ، احمدی‌نژاد خواهی هست. پس یک‌سری علائم منفی از کاخ سفید ارسال شود، ولی اینکه برجام منتفی شود، موضوعیت ندارد. به هر حال، آمریکایی‌ها درباره برجام به اهداف کلی مدنظر خود رسیدند. بنابراین درباره برجام نباید چندان نگران بود. برای تحلیل شخصیت ترامپ، باید وی را در مقابل هیلاری کلینتونی قرار داد که نزدیک به لابی صهیونیست‌ها و در مواضع ضدایرانی، مشهور است. اگر این‌گونه مقایسه کنیم، بهتر می‌توان ارزیابی کرد. ممکن است ترامپ برای ایران باید باشد. اما کلینتون بدتر بود. درهمین‌حال، انتخاب مشاور امنیت ملی و رئیس سازمان سیا، اتفاقی است که تا حدی دور از انتظار بود اما هنوز انتخاب وزیران دفاع و خارجه باقی است و نمی‌توان دراین‌باره به طور قطعی سخن گفت. فقط یک نکته روشن است که در گوناه‌مدت، به بخش‌های مختلف سیاسی و اقتصادی و مالی شوک وارد می‌شود. در ابتدا به شاخص‌های اقتصادی و بورس‌ها شوک وارد شده است ولی بسیار سریع، همه‌چیز به وضع سابق بازگشت. به نظر می‌رسد آمریکا و ترامپ از حنک‌طلبی پرهیز کنند. او در مواضع خود گفته بود ورود آمریکا به سوریه و لیبی اشتباه بود و اینکه چرا ایالات متحده باید هزینه امنیت دیگران را بپردازد. او اعلام کرده به دنبال تقویت روابط با روسیه است. بنابراین این نکات را می‌توان در نظر داشت. ترامپ، نشانه میل تغییرخواهی مردم آمریکاست و به‌همین‌دلیل، پیروزی او دور از انتظار نبود. علت این پیروزی هم روشن است؛ مردم از وضعیت معیشت، اقتصاد، رکود در تولید خسته شده بودند به‌همین‌دلیل اقشار فقیر در حاشیه‌ها و روستاها به ترامپ مایل بودند. در دوره اخیر انتخابات، مردم ایالات متحده، انتخاب میان خوب و بد نداشتند. آنچه در رسانه‌های آمریکا قبل از برگزاری انتخابات منتشر می‌شد، نشان داد کلینتون نامحبوب‌ترین کاندیدای ریاست‌جمهوری بعد از ترامپ است. انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، یک انتخابات سلبی بود. درواقع در این انتخابات مردم نه ترامپ و نه کلینتون را می‌خواستند. نظرسنجی‌ها نشان می‌داد، ارای‌دهندگان از بعض دیگری قصد رأی‌دادن به کاندیدای مقابل را داشتند. هیلاری کلینتون برای مردم آمریکا چهره‌ای بسیار تکراری بود. درحالی‌که ترامپ برای مردم آمریکا، گزینه‌ای تازه محسوب می‌شد. دوم اینکه هیلاری کلینتون و خانواده او از نظر فساد مالی، شرایط قابل قبولی نداشتند. سومین ویژگی منفی از منظر مردم آمریکا، دروغ‌گویی او در جریان ایمیل‌ها بود. ترامپ در مبارزه‌های انتخاباتی خود بر نکته‌ای تاکید می‌کرد که مبتنی بر نیازهای جامعه آمریکا بود. رسانه‌های آمریکایی می‌گویند ترامپ در طول رقابت‌ها، حدود کلیدی داشت. معیشت مردم، اقتصاد آمریکا، استقرارنظامی برای مردم آمریکا، فساد ساختارهای سیاسی آمریکا و مشکلاتی از این‌دست مسائلی بودند که ترامپ از روز نخست تا انتهای مبارزات انتخاباتی در سخنرانی‌هایش تکرار می‌کرد. مردم آمریکا به دنبال تغییر بودند نوع برنامه‌ها و شعارهای هیلاری